

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۶۲

۹ دی ۱۴۰۰ / ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱



مرخصی زندانیان

در این شماره می خوانید:

حبس کشیدن بدون حتی یک روز مرخصی

حق مرخصی در زندان های ایران

مرخصی زندانی در قانون

زندانیان خاص، مرخصی برای تمام فصول

«حق مرخصی زندانیان»

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: سروناز رستگار، نیره انصاری

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

حبس کشیدن بدون حتی یک روز مرخصی

و خشکسالی شد. کیارستمی، شجریان و انتظامی جاودانه شدند. پلاسکو و سانچی سوختند. کرونا آمد! ولیکن من هنوز زندانم!»
سیامک نمازی وقتی در سال ۲۰۱۵ برای سفری کوتاه برای دیدار والدینش به تهران می‌رفت، مدیر بخش برنامه‌ریزی استراتژیک در شرکت نفتی کرسنت بود؛ شغلی که ارتباطی با ایران نداشت. در پایان این سفر کوتاه، در فرودگاه تهران گذرنامه او ضبط می‌شود، سه ماه به طور مداوم مورد بازجویی قرار می‌گیرد و سرانجام در روز ۱۳ اکتبر سال ۲۰۱۵ بازداشت می‌شود.
سیامک نمازی که یک روز پس از شش سال زندانی بودنش در اوین، ۵۰ ساله می‌شود، در فایل صوتی‌ای از این زندان، می‌گوید: «موهایم که هیچ، ابروهایم نیز در آسیاب این حبس سنگین سفید شده‌اند و اگرچه بنده صادقانه به بی‌گناهی‌ام اعتقاد دارم، امیدم به استیفای حقم دیگر مانند چشم‌هایم کم سو شده است.»
این پیام آقای نمازی خطاب به غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ضبط شده بود. پیامی که او در آن تنها خواستار مرخصی یک ماهه برای دیدار با پدرش شده است. پدری ۸۵ ساله که به گفته خانواده به دلیل بیماری و نیاز به عمل جراحی، با خطر مرگ روبه‌روست.

در این میان زندانیانی نیز هستند که از قوه قضاییه ناامید شده و خطاب به مقامات بین‌المللی نامه می‌نویسند:
«آقای جاوید رحمان! می‌خواهم از شما به عنوان یک برادر بزرگ درخواست کنم؛ اکنون که زنده هستیم و اتفاق ناگوار و جبران‌ناپذیری برابم رخ نداده، در حد توان خود خواسته‌هایم را پیگیری و از من حمایت کنید، چرا که بعد از مردنم، بیانیته‌ها محکوم کردن‌ها و

مصاحبه‌ها هیچ سودی به حال من و خانواده‌ام ندارد، هرچند که من خیلی وقت است خود را برای مرگ آماده کرده‌ام.»
این بخشی از نامه **حمزه درویش** است که هفت سال است برای گذراندن حکم ۱۵ ساله حبس در زندان لاکان رشت زندانی است.
او در نامه‌ای به جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران، نسبت به نقض حقوق خود در زندان اعتراض و تقاضای رسیدگی کرده است. در بخشی از این نامه آمده که او در زندان لاکان رشت امنیت جانی ندارد و طی دو ماه اخیر با «چراغ سبز و حمایت مسئولین زندان» سه بار توسط زندانیان جرائم خشن مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

حمزه درویش در نامه به جاوید رحمان نسبت به نقض حقوق خود در زندان اعتراض کرده و نوشته که «سیستم دفاعی بدنم روز به روز ضعیف‌تر و جسمم روز به روز لاغرتر می‌شود؛ بخاطر ایجاد عفونت از ناحیه سر، چند ماهی است که دچار سرگیجه و سردردهای شدیدی می‌شوم، مصرف دارو هم کارساز نبوده و تاکنون درمان نشده‌ام.»
حمزه درویش زندانی ۲۸ ساله اهل تالش بیشتر در اظهاراتی عنوان کرده بود که در سال ۹۳ نیروهای یک گروه بنیادگرای مستقر در سوریه با فریب، او را به ترکیه کشانده و سپس به سوریه منتقل کرده‌اند. مدتی را در زندان داعش بوده و سپس با دریافت امان‌نامه‌ای از سفارت جمهوری اسلامی ایران در ترکیه به ایران فرار کرده و خود را به نیروهای امنیتی معرفی کرده است.

درخواست‌های حمزه درویش برای مرخصی درمانی نیز تاکنون رد شده است.

زینب جلالیان زندانی سیاسی کرد نیز علی‌رغم این که در زندان قرچک به کرونا مبتلا شد اما آسمانی جز آسمان زندان را ندید.

زینب جلالیان، زندانی سیاسی کرد، متولد ۱۳۶۱ است و از آذر سال ۸۶ در زندان به سر می‌برد، او سنگین‌ترین حکم (حبس ابد) را در میان زندانیان سیاسی زن در ایران دارد. علی جلالیان، پدر زینب جلالیان به شبکه حقوق بشر کردستان گفت که او در زندان قرچک ورامین به ویروس کرونا مبتلا شده است. زینب جلالیان تماس تلفنی خود با خانواده گفت که همراه با چند زندانی دیگر مبتلا به ویروس کرونا در اتاقی جدا در بخش قرنطینه زندان قرچک نگهداری می‌شود و همچنان تب شدید و تنگی نفس دارد.

بنابر این گزارش، پزشک بهداری زندان قرچک به زینب جلالیان گفته است که ویروس ریه‌اش را درگیر کرده است و آنها درصدد کنترل عفونت ریه از طریق دارو هستند.

خانم جلالیان بهار امسال در حالی از زندان خوی به زندان قرچک منتقل شده بود که بر اساس قوانین ایران، سازمان زندان‌ها موظف

به انتقال زندانیان به نزدیک‌ترین زندان به محل سکونت خانواده آنها است. زندانیان و نهادهای ناظر بر وضعیت حقوق بشر درباره کمبود امکانات بهداشتی و تراکم جمعیت در زندان قرچک ورامین هشدار داده بودند.

خانم جلالیان پیش از ابتلا به کرونا، از بیماری‌های دیگری هم رنج می‌برد و به همین خاطر سازمان ملل و سازمان‌های حقوق بشری بارها خواستار آزادی او شده‌اند.

زینب جلالیان بیش از ۱۴ سال است بدون مرخصی زندانی است و خانواده‌اش می‌گویند که پی‌گیری‌های آنها برای مرخصی فرزندشان تاکنون بی‌نتیجه بوده است. او به بیماری "ناخنک چشم" مبتلاست که نیاز به درمان و رسیدگی دارد.

زینب جلالیان سال ۸۸ به اتهام خروج غیرقانونی از کشور به یک سال حبس تعزیری و به اتهام محاربه با عضویت در پژاک به اعدام محکوم شده بود؛ حکمی که با یک درجه تخفیف و به گفته وکیلش، با عفو‌رهبی تبدیل به حبس ابد شد

محمد نظری نیز یکی از قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی ایران است که از خرداد ۷۳ تاکنون یعنی به مدت ۲۶ سال در زندان به سر می‌برد. او در حال حاضر در زندان مرکزی ارومیه دوران محکومیت خود را سپری می‌کند.

محمد نظری، فرزند حمد الله، اهل شهر شاهین دژ از توابع استان آذربایجان غربی است که روز ۹ خرداد ماه ۱۳۷۳ در سن ۲۳ سالگی

به اتهام عضویت در حزب دمکرات کردستان ایران در شهر بوکان بازداشت و بعد از ۳ ماه نگهداری در سلول‌های بازداشتگاه «ستاد خبری اداره اطلاعات» در این شهر به زندان مهاباد منتقل شد. او ابتدا توسط شعبه یک دادگاه انقلاب شهر مهاباد به اتهام «عضویت در حزب دمکرات کردستان» محاکمه شد و بعد از شش ماه پرونده این زندانی به شعبه یک دادگاه انقلاب شهر ارومیه به ریاست قاضی جلیل‌زاده ارجاع شد و در این دادگاه نیز بار دیگر به همان اتهام محاکمه و به اعدام محکوم شد. محمد نظری به حکم صادره اعتراض کرد اما این اعتراض به جایی نرسید و نهایتاً در عید قربان سال ۱۳۷۸ با یک درجه عفو حکم اعدام او به «حبس ابد» تبدیل شد.

او بارها دست به اعتصاب غذا زده و ۶ شهریور ماه ۱۳۹۱ با دوختن لب‌های خود دست به اعتصاب غذا زد و «خواستار اعاده دادرسی» در پرونده خود شد، خواسته‌ای که هیچ وقت مورد توجه مقام‌های قضائی و دادگاه انقلاب قرار نگرفت.

محمد نظری در طی ۲۶ سال حبس از حق مرخصی حتی برای یک روز هم محروم بوده است. در این مدت مادر، پدر و خواهرش فوت کردند اما او حتی اجازه شرکت در مراسم خاکسپاری آنها را نیز نیافت

در حالی که طبق قانون آیین دادرسی زندان‌ها، مرخصی حق هر زندانی است. او مدتی پس از حبس در زندان مهاباد به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد و اکنون در زندان مرکزی ارومیه به سر می‌برد.

این زندانی سیاسی در دوران ۲۵ سال زندان مبتلا به بیماری‌های قلبی، دیسک گردن و افسردگی شده و اکنون به تشخیص پزشکان دارای توموری در معده‌اش است و نیاز به مراقبت‌ها و درمان پزشکی سریع دارد. او در طی ۲۶ سال از حق مرخصی و حق مراقبت‌های پزشکی محروم بوده است.

ارژنگ داوودی نیز یکی از قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی در ایران است که مدت‌هاست از وضعیت و محل نگهداری او اطلاع دقیقی در دست نیست.

ارژنگ داوودی ۶۹ ساله، شاعر، معلم، نویسنده است و در ۱۸ سال گذشته بدون یک روز مرخصی و برخورداری از حداقل حقوق یک زندانی سیاسی در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های متعددی دوران حبس خود را گذرانده است.

آخرین خبر از این زندانی سیاسی به اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ باز می‌گردد که کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی اطلاع داد که ارژنگ داوودی از زندان زابل ابتدا به زندان تهران بزرگ و سپس به قرنطینه زندان رجایی شهر منتقل شده است. پیش از این خبر نیز بیش از دو سال بود که هیچ اطلاعی از وضعیت و محل نگهداری این زندانی در دست نبود و تنها خبر مربوط به بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بود که هانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گزارش داده بود او در یک «اتاقک تاریک و نمور» در بند قرنطینه زندان زاهدان و جدا از بقیه زندانیان نگهداری می‌شود که فاقد تأسیسات گرمایشی و تهویه مناسب است.

ارژنگ داوودی آبان ماه ۱۳۸۲ در نزدیکی دانشگاه تهران - در تقاطع بلوار کشاورز با کارگر - دستگیر شد. اتهام‌های اصلی او «راه‌اندازی و تأسیس جنبش آزادی ایرانیان» و «کنفدراسیون دانشجویان ایرانی» است. ۱۶ ماه پس از دستگیری بر اساس این اتهام‌ها داوودی به ۱۵ سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق و ۵ سال محرومیت از حقوق اجتماعی در دادگاهی به ریاست قاضی حداد محکوم شد.

قادر محمد زاده زندانی سیاسی کُرد نیز در حال سپری نمودن هفدهمین سال دوران محکومیت خود بدون یک روز مرخصی در زندان یزد است. او با انتشار نامه‌ای اعلام کرد که به دلیل نبود مدارک کافی در انتساب اتهام علیه وی، با قید قرعه محکوم شده است.

قادر محمدزاده روز سه‌شنبه ۲۰ آذر ۱۳۸۴ (۱۱ دسامبر ۲۰۰۵) توسط نیروهای اداره اطلاعات در بوکان بازداشت و پس چند ماه به زندان مرکزی ارومیه منتقل شد. این زندانی سیاسی پس از ۱۵ ماه بلاتکلیفی توسط دادگاه انقلاب مهاباد به اتهام «محرابه» از طریق عضویت در

مریم اکبری‌منفرد در طول دوران حبس تاکنون به مرخصی اعزام نشده است. حسن جعفری، همسر این زندانی سیاسی پیشتر گفته بود که سال ۹۱ و برای یک بار با مرخصی همسرش موافقت شده و حتی یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان وثیقه تهیه و تحویل داده‌اند، اما در لحظه آخر و هنگامی که فرزندان این زندانی سیاسی منتظر آمدنش به خانه بودند، به آن‌ها گفته شد که مرخصی منتفی است و از وزیر اطلاعات نامه آمده که این خانم (مریم اکبری‌منفرد) نباید مرخصی برود.

آرش صادقی، زندانی سیاسی در نامه‌ای که در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ از زندان رجایی شهر کرج خطاب به جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران نوشت در مورد مرخصی زندانیان چنین شرح داد: «یکی از مواردی که همیشه به عنوان ابزار شکنجه خانواده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد محرومیت افراد از مرخصی به عنوان یک حق لحاظ شده در قانون است. سعید ماسوری، یکی از قدیمی‌ترین زندانی سیاسی جمهوری اسلامی نمونه این نوع مجازات است. او ۲۲ سال زندان را بدون حتی یک روز مرخصی سپری کرده است. آرش نصری، زندانی کُرد حاضر در زندان رجایی شهر برای فوت دخترش نتوانست از حق مرخصی استفاده کند. او از مسئولان خواسته بود با مرخصی او موافقت کنند و یا با شرایط تحت الحفظ (دستبند و پابند) او را به مراسم ختم فرزندش منتقل کنند که با هر دو خواسته‌ی او مخالفت شد. مطلب احمدیان دیگر زندانی کُرد حاضر در زندان رجایی شهر است که حدود چند ماه پیش پدرش به خاطر بیماری سختی فوت کرد. نامبرده پیش از مرگ پدر درخواست مرخصی کرده بود تا بتواند حداقل مکان برای لحظاتی در روزهای پایانی عمر، پدرش را ببیند. بعد از فوت پدر نیز از مسئولان درخواست کرد حتی با شرایط دستبند و پابند هم که شده او را به مراسم ختم پدر ببرند که با خواسته او نیز مخالفت شد.

با مرخصی و حتی انتقال تحت الحفظ زندان سیاسی لقمان مرادی نیز که خواهرش به علت بیماری سرطان فوت کرد مخالفت شد. هوشنگ رضایی دیگر زندانی سیاسی است که دوازدهمین سال حبس خود را بدون حتی یک روز مرخصی سپری کرده است. پیروز منصوری در حالی سیزدهمین سال حبس خود را می‌گذراند که او نیز در تمام این سال‌ها از حق مرخصی محروم بوده است. حمزه سواری نیز از زندانیان سیاسی است که در ۱۸ سالگی بازداشت شده و در حالی شانزدهمین سال حبس خود را سپری می‌کند که در هیچ یک از مراسم‌های ازدواج و ختم اعضای خانواده‌اش حاضر نبوده است. فریبا کمال آبادی، زندانی بهائی هم برای ازدواج فرزندش نتوانست از حق مرخصی استفاده کند. او از مسئولان خواسته بود با دست‌بند و پابند به این مراسم برود اما این امکان نیز به او داده نشد.»



بیش از سه ماه انفرادی و تحمل بدرفتاری و ضرب و شتم، از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سنندج به ریاست قاضی حسن بابایی به اتهام محاربه و فساد فی الارض به اعدام محکوم شد که این حکم عیناً به تایید دادگاه تجدیدنظر رسید. حکم او با اعتراض مجدد و کلاً برای تجدیدنظر نهایی به دیوان عالی کشور ارجاع و در آنجا نیز به تایید رسید.

سرانجام در سال ۹۴ و در هشتمین سال حبس بدون مرخصی وی اعلام شد حکم اعدام وی متوقف شده است، پس از دو سال بلاتکلیفی در بهمن ماه ۹۶ دادگاه انقلاب سنندج حکم نهایی را ابلاغ و حبیب‌الله لطیفی را به حبس ابد محکوم کرد.

مریم اکبری‌منفرد که در حال گذراندن سیزدهمین سال تحمل حبس خود است، در این مدت از حق مرخصی محروم بوده است.

مریم اکبری‌منفرد ۱۰ دی ۱۳۸۸ و پس از حوادث عاشورای آن سال بازداشت و خرداد ۸۹ توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم شد. اتهام این زندانی سیاسی «محرابه از طریق عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران» است. این اتهام بارها از طرف مریم اکبری‌منفرد رد شده است.

حسین تاج، وکیل مدافع این زندانی، ضمن اشاره به تداوم محرومیت موکلش از حداقلی‌ترین ظرفیت تسهیلات قانونی، از درخواست اعاده دادرسی مجدد برای پرونده‌ی این زندانی سیاسی خبر داده بود. به گفته او درخواست اعاده دادرسی پیشین مریم اکبری‌منفرد که بر مبنای لایحه قبلی بوده، به دنبال اعمال تغییراتی در قانون، مورد بی‌توجهی مراجع قضایی قرار گرفته است.

حزب کومله به اعدام محکوم و این حکم در دادگاه تجدیدنظر استان به ۲۰ سال حبس و تبعید به زندان مرکزی یزد تغییر پیدا کرد.

او در نامه خود از زندان یزد نوشته است: «به خانواده‌ام اعلام شده تا زمانی که زندانی شما این دیه را پرداخت نکند ما نمی‌گذاریم هیچ امتیاز و یا عفوی شامل وی شود و از آن استفاده کند و مرخصی هم به ایشان تعلق نمی‌گیرد و به همین دلیل چند بار مجبور شده‌ام که دست به اعتصاب غذا بزنم که بار اول ۱۵ روز، بار دوم ۳۳ روز و بار سوم نیز ۴۰ روز اعتصاب کرده‌ام و علی‌رغم اینها تاکنون هیچ اقدامی برای آزادی و یا اعزام من به مرخصی صورت نگرفته است.

لذا من به عنوان یک زندانی سیاسی که یک سوم عمر مفید خود را پشت میله‌های زندان سپری کرده‌ام از نهادهای حقوق بشری ایرانی و بین‌المللی تقاضای کمک دارم تا مادر پیر و سالخورده‌ام را که ۱۷ سال است در انتظار آزادی من به سر می‌برد و مدت ۷ ساله که با من ملاقاتی نداشته را یک بار دیگر ببینم.»

در این میان **حبیب‌الله لطیفی** زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد، در چهاردهمین سال تحمل حبس خود، با تودیع قرار وثیقه از زندان سنندج به مرخصی استعلاجی اعزام شد. عدم موافقت نهادهای امنیتی و قضائی با مرخصی استعلاجی این زندانی سیاسی طی سال‌های اخیر باعث تشدید بیماری‌های او شده و پس از پیگیری‌های پی در پی خانواده و وکیل این زندانی سیاسی، دادگاه انقلاب سنندج با مرخصی استعلاجی وی موافقت کرده است.

حبیب‌الله لطیفی دانشجوی سال آخر رشته مهندسی صنایع در دانشگاه ایلام، اول آبان سال ۱۳۸۶ بازداشت شد و پس از تحمل



آقای آقاسی، اما در تبصره ماده ۲۱۳ آئین نامه اجرایی سازمان زندانی‌ها، آمده است اعطای مرخصی به زندانیان به عنوان یک حق تلقی نمی‌گردد و برخورداری از آن موکول به رعایت مقررات زندان و کسب امتیازات لازم است. بینید ذکر این که حق نیست با آن چه که اعمال می‌شود، تفاوت دارد. اگر کسی حق مرخصی رفتن نداشته باشد، خب به او مرخصی نمی‌دهند اما منظور این نیست که بلاقید و مطلقاً هر زندانی مجاز نیست که از مرخصی استفاده کند یا آن را مطالبه کند. به همین دلیل در مورد برخی از زندانیان به خصوص زندانیان پرونده‌های سیاسی و امنیتی، مرخصی را از زندانی دریغ می‌کنند. در مورد زندانیان عادی، تقریباً بلا استثنا به زندانی مرخصی تعلق می‌گیرد. حتی در مواردی فرد مرخصی می‌گیرد و در همان زمان مرتکب جرم، مثلاً سرقت می‌شود. این نشان می‌دهد که گاهی فردی بدون این که متنه شده باشد، به مرخصی می‌رود ولی در مورد زندانیان سیاسی، حتی زمانی که تمام شرایط جمع است، بنا به جهاتی به فرد مرخصی نمی‌دهند؛ دقیقاً با استفاده از همین عبارت که او متنه نشده است. نهایتاً زمانی به فردی اجازه می‌دهند از مزیتی استفاده کند که او را محق بدانند. به اعتقاد من، در این قانون هم اگر از کلمه حق استفاده نشده، در واقع در استفاده از کلمه دقت نکرده‌اند. این حق زندانی است و این حق در بسیاری از موارد رعایت می‌شود. در مقررات سازمان زندان‌ها در نظر گرفته شده که هر زندانی بتواند در ماه دو یا سه روز از مرخصی استفاده کند اما در مقررات پیش از این، چنین قانونی وجود نداشت. پیش از انقلاب باید محکوم، به طور کامل مدت مجازات خود را طی می‌کرد و بعد می‌توانست از آزادی برخوردار شود. البته باید بگویم در بعضی موارد از این مقررات توسط مقامات، سوءاستفاده‌هایی می‌شود که از رانت‌هایی استفاده می‌کنند و علی‌رغم محکومیت‌هایی که دارند،

حق مرخصی در زندان‌های ایران

زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات صلاحیتدار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم با هدف تحمل کیفر، حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگره‌داری می‌شوند در اکثر مواقع افرادی که مرتکب بزهکاری و جرم می‌شوند، از حیث کار، تحصیل، تشکیل خانواده، فرصت‌های جبران ناپذیری را از دست می‌دهند. در این میان درخواست مرخصی و حضور در اجتماع می‌تواند فرصت‌هایی را برای جبران خسارت‌های فردی و اجتماعی جرمی که زندانی مرتکب شده، در اختیار او قرار دهد. ماده ۲۱۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها تأکید کرده: «به منظور کمک به تحکیم مبانی و روابط خانوادگی و اجتماعی زندانیان، رفع مشکلات ضروری فردی، خانوادگی و قضائی، بازتوانی اجتماعی و فراهم نمودن زمینه بازگشت مجدد به جامعه و همچنین مشارکت فعال در برنامه‌های اصلاحی، تربیتی، فرهنگی و ورزشی، حرفه‌آموزی و اشتغال، به زندانیان در چهارچوب مواد مربوط به این فصل مرخصی اعطاء می‌گردد. تبصره. اعطای مرخصی به زندانیان به عنوان یک حق تلقی نمی‌گردد و برخورداری از آن موکول به رعایت مقررات زندان و کسب امتیازات لازم می‌باشد.» هر چند این تبصره در آیین‌نامه جدید سازمان زندان‌ها حذف شده اما به نظر می‌رسد نگاه دستگاه قضایی به مرخصی زندانیان همچنان بر روال همان قانون است. **محمدحسین آقاسی** وکیل پایه یک دادگستری عضو کانون وکلای مرکز در پاسخ به این سوال حقوق ما که چرا در قوانین جمهوری اسلامی، مرخصی به عنوان یک حق برای زندانی در نظر گرفته نشده است؟ می‌گوید: در قوانین ما مرخصی برای زندانیان به عنوان یک حق در نظر گرفته شده است اما استحقاق آن، برخورداری از آن و اعمال این حق، مشروط به شرایطی شده که در آیین‌نامه و قانون مربوطه ذکر شده. از جمله آنها نشان دادن تنبیه، متنبه و یا آگاه شدن از این که کارشان جرم و خطا بوده و در طول مدت محکومیتی که تا آن زمان درخواست شده دارند، نشان می‌دهد این شخص رفتارش و کردارش به نحوی بوده که مقامات زندان می‌توانند تایید کنند که این فرد رو به اصلاح است و استحقاق دریافت و استفاده از این مرخصی را دارد.

برای مدت‌هایی طولانی به مرخصی می‌روند. با این همه به نظر می‌رسد در اعطای مرخصی به زندانیان، تبعیض گسترده‌ای در زندان‌های جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد. از سویی زندانیانی سال‌های طولانی اجازه مرخصی پیدا نکرده‌اند و زندانیانی را نیز می‌بینیم که فقط گاهی به زندان رفت و آمد می‌کنند. این تبعیض از کجا ناشی می‌شود؟

من نمی‌توانم این گفته شما را انکار کنم. واقعیتی انکار ناپذیر است که برخی افراد به دلیل ارتباطاتشان، موفق می‌شوند که مرخصی‌های طولانی بگیرند طوری که در زندان بودن آنها استثنا محسوب می‌شود. برخی دیگر از زندانیان نیز در طول مدت محکومیتی که تحمل می‌کنند با وجود این که واجد شرایط لازم هستند، به آنها مرخصی داده نمی‌شود. البته به بعضی از زندانیان عادی هستند که بنا به جهات دیگری، از قبیل شرارتی که در زندان مرتکب می‌شوند و یا خطرناک بودن آزادی آنها، نیز مرخصی داده نمی‌شود که آنها جزء استثنائات محسوب می‌شوند.

آیا سیستمی بر زندان‌های ایران نظارت دارد تا بتواند این موارد تبعیض را بررسی کند؟

وجود دارد اما بخصوص در پرونده‌هایی که جنبه سیاسی یا امنیتی دارد، معمولاً کسی نمی‌تواند کاری بکند و دخالت‌های افراد ظاهراً چندان اثربخش نیست و از دخالت کردن پرهیز می‌کنند. زیرا نهادهای امنیتی مصلحت را در این می‌دانند که بنا به جهاتی، هر چند غیر قضایی، زندانی‌ای آزاد نشود. مهم‌ترین دلیلش هم این است که نهادهای امنیتی نمی‌توانند پس از صدور حکم محکومیت زندانی، او را در بازداشت‌گاه‌های تحت نظارت خود نگه دارند. مثلاً سازمان اطلاعات سپاه دو بازداشت‌گاه در زندان اوین دارد و مخصوص کسانی است که هنوز حکم نگرفته‌اند و نیاز به تحقیقات از آنها وجود دارد. اما پس از آن که حکم زندانیان توسط دادگاه صادر شد، آنها

به بندهایی که برای نگه‌داری زندانیان سیاسی در نظر گرفته شده انتقال پیدا می‌کنند. البته این هم واقعیت غیر قابل انکار است که برخی از زندانیان سیاسی و یا امنیتی را به منظور مجازات یا برخورد فوق‌العاده، در زندان‌های عادی و در کنار زندانیان عادی نگه‌داری می‌کنند. آن چه که قاعده و قانون است، این است که زندانیان سیاسی و حتی زندانیان عادی، براساس درجه محکومیت و نوع محکومیت جداگانه نگه‌داری شوند اما در عمل همیشه این طور نیست. غالب زندانیان سیاسی و امنیتی در بند خاصی محکومیتشان را می‌گذرانند اما برخی از آنها با زندانیان عادی نگه‌داری می‌شوند.

در ماه‌های اخیر، بعد از شیوع کرونا، بحث مرخصی زندانیان بیمار چالش برانگیز شد. سیاست‌های جمهوری اسلامی در مرخصی ندادن به زندانیان مبتلا به کرونا را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در اولین ایامی که کرونا شایع شده بود به خاطر دارم که بسیاری از زندانیان از جمله چند تن از موکلان خود من را به سرعت مرخصی می‌فرستادند، البته تضمین‌هایی مانند سند و وثیقه هم از ایشان اخذ می‌شد. اما کم‌کم این سیاست رنگ باخت و در بعضی از موارد حاضر نشدند این مرخصی را بدهند و گاهی هم شاید شاید، لجاجت با زندانیان و یا بنا به جهات دیگری که فکر می‌کردند فرد تظاهر به بیماری می‌کند، به زندانی مرخصی درمانی ندادند. اما موکلینی که من داشتم، تقریباً همه آنها که مبتلا شده بودند به مرخصی فرستاده شدند و مدتی در بیرون مستقر بودند تا بهبودی حاصل می‌کردند و دوباره به زندان بازگردانده می‌شدند. الان هم برخی از محکومین بیمار آزاد هستند اما برخی دیگر از زندانیان نیز که علی‌رغم شیوع کرونا به تحمل حبس فراخوانده شدند و تست‌های کرونای آنها مثبت شده، متأسفانه با درخواست مرخصی‌شان مخالفت شده است.

مرخصی زندانی در قانون

در مدتی که زندانی محکومیت خویش را سپری می‌کند و در زندان است، می‌تواند با خارج از زندان از طریق نامه، ملاقات و مرخصی ارتباط داشته باشد؟ و اصولاً خارج از زندان، در طول مدت محکومیت چه حکمی دارد؟ می‌نویسد: «مراجعه به روایات دینی و فتوای فقهای اسلامی موضوع را روشن می‌سازد. نه تنها از خروج زندانی از زندان مانع ایجاد نکرده‌اند بلکه در بعضی از موارد گفته‌اند که باید امام، زندانیان را برای انجام بعضی از عبادات از جمله نماز عید فطر و قربان بیرون برد. در روایات آمده است که بر امام است که زندانیان را برای حضور در نماز عید بیرون برد و پس از ادای نماز آنها را به زندان بازگرداند.»

براساس ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری، محکومان می‌توانند در صورت رعایت ضوابط و مقررات زندان و مشارکت در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و کسب امتیازات لازم پس از سپردن تامین مناسب، ماهانه حداکثر سه روز از مرخصی برخوردار شوند. در موارد بیماری حاد یا فوت بستگان نسبی و سببی درجه یک از طبقه اول یا همسر و یا ازدواج فرزندان، زندانی می‌تواند به تشخیص دادستان حداکثر تا پنج روز از مرخصی استفاده نماید. با این همه تبصره ماده ۲۱۳ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰ تأکید کرده است که اعطای مرخصی به زندانیان به عنوان یک حق تلقی نمی‌گردد و برخورداری از آن موکل به رعایت مقررات زندان و کسب امتیازات لازم است.

این موضوع که استفاده از مرخصی حق یک زندانی است یا به او به عنوان یک امتیاز تعلق می‌گیرد، موضوعی است که در مصوبه اولین کنگره «مجازات مجرمین و جلوگیری از جنایت» سازمان ملل متحد در ژنو به سال ۱۹۵۵ آمده است. در اصل ۵۷ مصوبه سازمان ملل آمده است: «زندانی کردن و دیگر اقداماتی که فرد خلافکار را از تماس

حبس یکی از شیوه‌های مجازات سالب آزادی است از دیرباز مورد توجه بشر بوده است. در اروپای قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی به دنبال اعتراضاتی که به مجازات غیرانسانی و بی‌رحمانه صورت گرفت، حبس به عنوان کیفری انسانی، جایگاه خود را مستحکم نمود و جایگزین مجازات‌های بدنی، کار اجباری و ... که خشن تلقی می‌گردیدند، شد. با مرور زمان حبس کم‌کم کارایی خود را از دست داد و اهداف و انتظاراتی را که از آن می‌رفت، نتوانست برآورده سازد. تکرار جرم، عدم اصلاح مجرمین، آثار سوء اجتماعی، ازدحام جمعیت در زندان، فقدان مدیریت صحیح در زندان، مشکلات اقتصادی، مسایل بهداشتی، شیوع امراض مسری و ... از جمله انتقاداتی بوده و هست که به زندان وارد شده است.

با این که قوانین بین‌المللی در بیانیه‌های مختلف بر اصول اساسی رعایت حقوق زندانیان تأکید کرده است اما در هیچ یک از این بیانیه‌ها به موضوع مرخصی زندانیان پرداخته نشده است. فارغ از هرگونه بحث حقوقی نباید فراموش کرد که محکوم به حبس، وقتی در حال اجرای حکم تلقی می‌شود که آزادی رفت و آمد او سلب شده باشد، زیرا مجازات حبس معنایی غیر از سلب آزادی رفت و آمد محکوم ندارد. از این رو مرخصی یا آزادی رفت و آمد حین اجرای حکم، مغایر با ماهیت مجازات زمان هم حبس است. با این وجود، هدف از اجرای هر مجازاتی دفاع از جامعه و هم زمان اصلاح بزهکار و آماده‌سازی وی برای بازگشت به جامعه است. در همین زمینه ماده یک اعلامیه اصول اساسی رفتار با زندانیان مقرر داشته است: رفتار با کلیه زندانیان همراه با احترام مقتضی به حیثیت ذاتی و ارزش آنها به عنوان افراد بشر خواهد بود.

حسین ناصرپور، دکترای فقه و حقوق در مورد این موضوع که آیا



با دنیای بیرون محروم می‌سازد و همین که حق تصمیم‌گیری را از فرد سلب کرده و او را از آزادی محروم می‌سازد دردآور است بنابراین سیستم زندان نباید جز در موارد جداسازی موجه (تفکیک و طبقه بندی زندانیان) یا تامین نظم، دشواری شرایط موجود را افزایش دهد.» و در اصل ۵۸ ادامه می‌دهد: «هدف و دلیل محکوم کردن فرد به زندان یا اقدامی مشابه در محروم سازی از آزادی، در نهایت محافظت جامعه از جنایت است. این منظور فقط در صورتی حاصل می‌گردد که مدت نگهداری فرد در زندان تا حد امکان مصرف آن شود که این امر را تضمین نماید که فرد خلافکار در هنگام بازگشت به جامعه نه تنها می‌خواهد بلکه همچنین می‌تواند با رعایت قانون، زندگی خویش را اداره کند.»

با این همه در ماده ۲۱۴ این آئین‌نامه شرایط اعطای مرخصی تعیین شده است به این ترتیب که محکومین به حبس تا ۱۵ سال باید حداقل ۱/۶ (یک ششم) از مدت حبس و محکومین بیش از ۱۵ سال و حبس ابد حداقل سه سال از مدت محکومیت خود را سپری کرده باشند، تا بتوانند درخواست مرخصی کنند.

اما محکومینی که به لحاظ عدم پرداخت جزای نقدی یا عدم تأدیه محکومیت مالی و یا هر دو در زندان بسر می‌برند، در صورتی که حداقل یک ماه بابت محکومیت مذکور تحمل حبس کرده باشند، می‌توانند از امکان مرخصی استفاده کنند.

در همین حال شرط کسب حداقل ۲۰۰ امتیاز برای هر نوبت مرخصی نیز با این معیارها در نظر گرفته شده است:

۱. رعایت مقررات و امور انضباطی در زندان در هر ماه ۱۰ امتیاز
۲. همکاری در برقراری نظم و انضباط و پیشگیری از تخلفات داخلی در هر ماه ۲۰ امتیاز
۳. همکاری در انجام فعالیت‌های فرهنگی در هر ماه ۱۰ امتیاز
۴. اهتمام به شرکت در نماز جماعت و سایر مراسم مذهبی، در هر ماه ۳۰ امتیاز
۵. شرکت در برنامه‌های مربوط به تلاوت، آموزش روخوانی، ترجمه، درک مفاهیم، حفظ قرآن یا نهج‌البلاغه، اخلاق و عقاید، هر برنامه در هر ماه ۲۰ امتیاز
۶. قبولی در آزمون دوره‌های مربوط به روخوانی، ترجمه، درک مفاهیم و حفظ قرآن یا نهج‌البلاغه، اخلاق و عقاید، هر دوره ۳۰ امتیاز
۷. شرکت در دوره احکام سطح ۱ و ۲ هر کدام در هر ماه ۱۰ امتیاز
۸. قبولی در آزمون احکام سطح ۱ و ۲ هر یک ۳۰ امتیاز
۹. شرکت در هر دوره کتابخوانی ۲۰ امتیاز
۱۰. حفظ قرآن به ازاء هر جزء ۲۰۰ امتیاز

قضایه تعداد بسیار زیادی از زندانیان به مرخصی فرستاده شدند. در عین حال ماده ۲۲۰ نیز مقرر داشته در مواقع اضطراری و بروز حوادث غیر مترقبه متهمین و محکومین که واجد شرایط اعطای مرخصی نیستند، می‌توانند بنا به تشخیص شورای طبقه بندی و موافقت قاضی مجری حکم یا رئیس حوزه قضایی و یا مقام بازداشت‌کننده حداکثر به مدت ۱۲ ساعت در روز به صورت تحت‌الحفظ به مرخصی اعزام گردند. علی‌رغم وجود این ماده نیز برخی از زندانیان از دریافت مرخصی درمانی و ملاقات با پزشک محروم شدند.

یکی دیگر از موادی که اجرا نشدن آن اعتراض تعدادی از زندانیان سیاسی را به دنبال داشته، ماده ۲۱۹ است که بر اساس آن شورای طبقه بندی موظف است ضمن بررسی پرونده شخصیت رفتاری محکومین، چنانچه باقیمانده حبس آنها حداکثر معادل ۱/۱۰ (یک دهم) کل محکومیت آنان بوده مشروط بر اینکه مدت مزبور از شش ماه تجاوز ننماید، با در نظر گرفتن وضعیت جسمانی یا معیشت خانواده، اصلاح پذیری، شخصیت محکوم و لحاظ امتیازات مکتسبه و در صورت استحقاق با اخذ تعهد کتبی و بدون اخذ تأمین نسبت به اعطای مرخصی به آنان اقدام نماید.

یا وجود این که در آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰ به شیوه اعطای مرخصی زندانیان پرداخته شده است اما در زمان اجرای این آئین‌نامه بسیاری از موارد نادیده گرفته می‌شود.

در این میان توجه به این امر ضروری است که مجمع عمومی در قطعنامه ۱۱۱/۴۵ مصوب چهاردهم دسامبر ۱۹۹۰ اصول اساسی رفتار با زندانیان را تبیین کرده است. از جمله در ضمیمه بیانیه اصول اساسی رفتار با زندانیان تاکید شده که نباید در میان زندانیان هیچ گونه تبعیضی بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره، ریشه‌های ملی و اجتماعی، اموال، تولد و سایر وضعیت‌ها وجود داشته باشد.

و نیز تاکید شده که صرف نظر از محدودیت‌های ناشی از مساله بازداشت، کلیه زندانیان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل‌های اختیاری آن و دیگر حقوق مندرج در اسناد ملل متحد برخوردار خواهند بود.

در عین حال زندانیان باید به خدمات بهداشتی که در مملکت وجود دارد بدون تبعیض به خاطر وضعیت حقوقی خود، دسترسی داشته باشند.

۲۶. ترک کامل اعتیاد به تأیید بهداری زندان ۲۰۰ امتیاز

۲۷. پرداخت جزای نقدی به ازاء یک درصد از مبلغ جریمه ۵ امتیاز

۲۸. اخذ رضایت شاکی یا شاکیان حداکثر ۲۰۰ امتیاز

در صورت تعدد شکات میزان امتیازات به تعداد آنها تقسیم خواهد شد.

در این میان برای محکومین مرد بالای ۶۰ سال و زنان زندانی با سن بیش از ۵۵ سال و زنان سرپرست خانوار، شرایط سهل‌تری برای مرخصی در نظر گرفته شده است؛ از جمله زنان سرپرست خانوار و مادران دارای فرزند کمتر از ده سال در صورت کسب امتیازات لازم و فقدان سابقه عمدی محکومیت به ازای هر دو ماه سه تا پنج روز مرخصی تشویقی می‌گیرند.

یکی از چالش‌برانگیزترین مواد این آئین‌نامه، ماده ۲۱۶ آن است که تاکید کرده: «محکومینی که بنا به تشخیص پزشک زندان نیاز به بستری شدن در مراکز درمانی خارج از زندان را دارند بدون در نظر گرفتن شرایط مذکور در ماده ۲۱۴ می‌توانند برای یک دوره معالجه، جهت بستری شدن از مرخصی استفاده نمایند و در صورت نیاز به ادامه بستری بیش از یک ماه بنا به تشخیص بیمارستان و تأیید پزشکی قانونی قابل تمدید است در این صورت باید تاریخ و محل بستری مشخص گردد تا در صورت لزوم از طرف یگان حفاظت زندان بازدید و سرکشی بعمل آید.»

در ماه‌های شیوع همه‌گیری کرونا و ابتلای تعدادی از زندانیان به‌خصوص زندانیان سیاسی به این بیماری، درخواست مرخصی بسیاری از مبتلایان رد شد در حالی که براساس بخشنامه ریاست قوه

زندانیان خاص، مرخصی برای تمام فصول

زندانیان خاص، این نامی است که گروه سایبری «عدالت علی» می‌گوید در قوه قضاییه به برخی از زندانیان اطلاق می‌شود، زندانیانی که مرخصی‌های بی‌پایان، عدم حضور آنها در زندان و حتی محل اقامتشان در زندان، نشان از تفاوت آنها با دیگر زندانیان دارد.

در یکی از اسناد «محرمانه» جدیدی که گروه سایبری «عدالت علی» از زندان اوین در اختیار **راديو فردا** قرار داده است، فهرستی از زندانیان خاص مشاهده می‌شود. در این سند که خطاب به مدیرکل وقت زندان‌های استان تهران است، نام هشت زندانی به عنوان «زندانی خاص» با شرح اتهام و وضعیت آنها ردیف شده است.

مهدی هاشمی فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی، حسین فریدون برادر حسن روحانی، محمدعلی نجفی شهردار سابق تهران، محمدهادی رضوی داماد محمد شریعتمداری، شبنم نعمت‌زاده دختر محمدرضا نعمت‌زاده، حمید بقایی و اسفندیار رحیم‌مشایی و پرویز کاظمی اعضای دولت محمود احمدی‌نژاد، زندانیانی هستند که در این سند از آنها به عنوان «زندانیان خاص» ذکر شده است.

این سند نشان می‌دهد که در ۱۹ فروردین ۹۹، تنها محمدعلی نجفی در زندان حضور داشته و «حاضر به خواب» بوده و برای بقیه عنوان «مرخصی» یا «غیبت» ذکر شده است. بر همین

اساس رضوی، مشایی و کاظمی غیبت دارند، حکم بقایی متوقف شده و فریدون، نعمت‌زاده و هاشمی در مرخصی به سر می‌برند.

عدم حضور این زندانیان در زندان‌ها اما از چشم برخی افراد پنهان نمانده است. علی خضریان، عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس بعد از بازدید از زندان اوین از عدم حضور مهدی هاشمی، حسین فریدون و محمدهادی رضوی انتقاد کرده بود. غیر از محمدعلی نجفی که به قتل و نگهداری اسلحه و مهمات غیرمجاز متهم است بقیه این زندانیان خاص به اتهاماتی چون ارتشا، اختلاس، اخذ رشوه، اخلاص عمده در نظام اقتصادی و جرایم اقتصادی محکوم شده‌اند.

در سند دیگری سوم مرداد ۹۹ خطاب به سرپرست وقت زندان اوین عنوان شده که حسین فریدون «لازم است در شرایطی ویژه و با رعایت تدابیر و ملزومات امنیتی نگهداری شود».

در همین سند به مراجعه حسین فریدون به قسمت واحد فرهنگی اندرزگاه اشاره شده و آمده است که «خروج از محل مورد نظر و تردد گاه و بیگاه مددجوی فوق در اماکنی غیر از مکان مورد نظر و یا عدم رعایت موازین حفاظتی به هر شکل ممکن، خطر بروز اتفاقات و حوادث غیر قابل پیش‌بینی را افزایش داده و احتمال آسیب، تعدی، سوء قصد و یا هرگونه اتفاق ناآب دیگری را در مورد مشارالیه تقویت می‌نماید».

این تنها گروه سایبری عدالت علی نیست که غیبت برخی از زندانیان را فاش می‌کند. مهر ماه سال ۱۴۰۰ در پی فاش شدن مرخصی بدون تعیین سقف زمانی برای **مهدی هاشمی**، مرکز رسانه قوه قضاییه از صدور حکم جلب او به دلیل «عدم بازگشت از مرخصی به زندان» خبر داد.

مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد به مهدی هاشمی مرخصی نداده است و تاکید کرد: «متأسفانه نامبرده پس از پایان زمان مرخصی، از مراجعت به زندان خودداری نموده و غیبت کرده است؛ اخطار قانونی لازم به وی داده شده است و چون به زندان بازنگشته است بر همین اساس حکم جلب این محکوم صادر شده است.»

مهدی هاشمی فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی اواخر سال ۹۳ از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به اتهام‌های امنیتی و اقتصادی به حبس، جزای نقدی، رد مال و انفصال از خدمات دولتی محکوم شد. او مرداد ۹۴ برای اجرای حکم حبس ۱۰ ساله راهی اوین شد اما پس از مدتی به مرخصی اعزام شد.

دو متهم دیگری که موضوع غیبت آنها در زندان به رسانه‌ها کشیده شد، اسفندیار رحیم‌مشایی، رییس دفتر رییس دولت دهم و حمید بقایی، معاون محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهور پیشین ایران هستند. در آخرین اطلاع‌رسانی، وکیل مدافع حمید بقایی از بستری شدن معاون رئیس‌جمهور پیشین جمهوری اسلامی در بیمارستان روانپزشکی خبر داد. به گفته او اسفندیار رحیم‌مشایی نیز در ماه‌های اخیر چندین بار در بیمارستان بستری بود و دو بار هم عمل جراحی داشته است.

دو متهم دیگری که مورد آنها می‌پردازند. از جمله منتشر شده در مورد آنها می‌پردازند. از جمله

رسول کوهپایه‌زاده وکیل پایه یک دادگستری می‌گوید انتشار عکس و تصویر محکوم زندانی در حال سپری کردن محکومیت، خلاف قوانین و مقررات است. مطابق اصل ۳۹ قانون اساسی هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و مستوجب مجازات است.

مهران عبدالله‌پور، وکیل مدافع حمید بقایی، معاون محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور پیشین ایران با اشاره به وضعیت موکلش گفت: «آقای بقایی به دلیل عوارض جسمی و عصبی متعدد با نظر کمیسیون پزشکی قانونی اساساً امکان تحمل زندان را نداشته و جهت معالجه در بیرون از زندان هستند و در حال حاضر نیز در بیمارستان مهرگان بستری و تحت درمان هستند.»

عبدالله‌پور در زمینه وضعیت اسفندیار رحیم‌مشایی گفت: «آقای مشایی هم با مرخصی استعلاجی در بیرون از زندان هستند. آقای مشایی هم در این چند ماه چندین بار در بیمارستان بستری بودند و دو بار هم عمل جراحی داشتند.»

حمید بقایی معاون اجرایی دولت دهم به دلیل محکومیت به جرایمی همچون اختلاس و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی در اسفندماه سال ۹۶ به ۱۵ سال حبس و چهل و سه میلیارد تومان جزای نقدی محکوم و به زندان معرفی شد.

اسفندیار رحیم‌مشایی رییس دفتر رییس دولت دهم در سال ۹۷ در دادگاه انقلاب در سه فقره عنوان اتهامی، در اتهام اول دایر بر اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی مطابق ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی به ۵ سال حبس و در رابطه با تبلیغ علیه نظام به استناد ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی به تحمل یک سال حبس و به اتهام توهین به مقامات قضایی به سبب انجام وظیفه به ۶ ماه حبس (جمعاً ۶ سال و ۶ ماه) محکوم شد که به موجب اجرای قانون، اشد مجازات و صرفاً ۵ سال آن اجرا شد.

این دو محکوم در حالی زمان تحمل کیفر خود را برای درمان در خارج از زندان می‌گذرانند که بسیاری از زندانیان سیاسی از حق درمان حتی در دوران همه‌گیری کرونا محروم بوده‌اند.

با این همه وکلای این محکومان از منظر دیگری به اطلاعات منتشر شده در مورد آنها می‌پردازند. از جمله

رسول کوهپایه‌زاده وکیل پایه یک دادگستری می‌گوید انتشار عکس و تصویر محکوم زندانی در حال سپری کردن محکومیت، خلاف قوانین و مقررات است. مطابق اصل ۳۹ قانون اساسی هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و مستوجب مجازات است.

کوهپایه‌زاده می‌گوید: نظام قانونی ما این چنین در نظر گرفته که انتشار تصاویر زندانی تحمیل مجازات مضاعف و تحقیر بر محکوم است و فاقد وجهت قانونی و شرعی بوده و ممنوع است. کوهپایه‌زاده که وکالت پرونده بابک زنجانی را برعهده دارد می‌گوید علی‌رغم همه شایعات مطرح شده، موکل او از زمان اجرای حکم حتی یک روز هم مرخصی نرفته است.

«بابک زنجانی» در سال ۹۲ بازداشت شد. اتهامات زنجانی متهم اصلی پرونده موسوم به فساد نفتی؛ افساد فی الارض از طریق اختلال در نظام اقتصادی کشور، کلاهبرداری از شرکت ملی نفت، بانک مسکن و تأمین اجتماعی، پولشویی، جعل ۲۴ فقره اسناد بانکی و صورت حساب‌های بانکی، جعل حواله‌های ارزی



و جعل دستور انتقال بین بانک‌ها بود.

پس از برگزاری ۲۶ جلسه دادگاه بدوی زنجانی را مفسد فی الارض تشخیص داده و به اعدام محکوم کرد و این حکم در دیوان عالی کشور قطعی شد. مرتضوی مقدم رییس دیوان عالی کشور اعلام کرد که حکم اعدام بابک زنجانی قطعی است ولی ممکن است همکاری کند و مورد تخفیف قرار گیرد.

حسین فریدون، برادر و دستیار حسن روحانی، رئیس جمهور سابق نیز به اتهام اخذ رشوه دادگاهی و در سال ۹۸ برای تحمل ۵ سال حبس راهی زندان شد. همچنین به پرداخت جزای نقدی و مبلغی که به عنوان رشوه مطرح بود (۳۱ میلیارد و خرده‌ای) محکوم شد. اما خبرها از مرخصی‌های بی‌پایان او حکایت دارد. تا این که سرپرست دایره نظارت بر زندانیان اقتصادی و کارکنان دولت، خبر داد که وی در زندان دوران محکومیت خود را سپری می‌کند.

درویش وند، در عین حال تاکید کرد: این محکوم علیه مانند تمامی زندانیان که از مرخصی قانونی برخوردار هستند، از حق قانونی خود برای پیگیری مسائل پزشکی هم استفاده کرده است.

به گفته این مقام قضایی، فریدون به ۳۱ میلیارد تومان ضبط

اموال و جزای نقدی به همین مبلغ محکوم شده است که در آخرین دوره‌ای که به مرخصی اعزام شده بود، این مسئله نیز پیگیری و بر اساس حکم دادگاه، مجازات ضبط اموال به صورت کامل محقق شد.

آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها در مورد غیبت زندانیان پس از مرخصی می‌گوید: چنانچه زندانی پس از اتمام مرخصی، غیبت کند، رئیس مؤسسه مراتب را در اسرع وقت و حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت برای اقدام قانونی مربوط به ضبط تأمین، دستگیری زندانی و عودت وی به مؤسسه، به مقام صادرکننده مرخصی گزارش و همزمان نسبت به اعلام جرم به دادستان یا رئیس حوزه قضایی اقدام می‌کند. مقام قضایی نتیجه اقدام‌های مربوط به ضبط تأمین و رسیدگی به پرونده غیبت را برای درج در پرونده به مؤسسه براساس ماده ۲۰۷ این آیین نامه نیز غیبت زندانی پس از پایان مدت مرخصی در نوبت‌های اول و دوم و سوم به ترتیب موجب سه ماه و شش ماه و یک سال محرومیت از مرخصی است؛ مگر آن که شورای طبقه‌بندی تنبه وی را احراز کند و دادستان نیز با اعطای مرخصی موافقت نماید.

حق مرخصی زندانیان



نیره انصاری

تکلیف نشوند، امکان دریافت مرخصی ندارند. زندانیان عادی به موجب شرایطی که قانون برای آن‌ها مشخص کرده است، می‌توانند در صورت موافقت شورای طبقه‌بندی زندان، مرخصی بگیرند.

و یا در صورت ازدواج یا فوت خویشان درجه یک، مرخصی فوق‌العاده به آنان تعلق می‌گیرد. اما همه این موارد در خصوص زندانی‌های سیاسی و امنیتی بی‌اثر هستند. در قانون آمده که مرخصی زندانی‌های سیاسی/امنیتی با نظر نهاد «دستگیر کننده» و یا «دادستان» است.

براین مبنا مرخصی برای زندانیان یک امتیاز محسوب می‌شود که این امر در مغایرت با قوانین و موضوعات حقوقی بین‌المللی و حقوق بشری است.

از دیگر فراز بررسی فلسفه مجازات و زندانی کردن است. گاهی زندان به نفع زندانی است؛ مانند شخصی قاتل است و اگر آزاد باشد، توسط خانواده مقتول کشته می‌شود. در این شرایط، با زندانی شدن به نوعی مورد حمایت قرار می‌گیرد. گاهی هم جنبه عبرت برای دیگران دارد و یا جنبه اصلاحی آن مورد نظر است.

آیین‌نامه سازمان زندان‌ها اعلام می‌دارد: «هدف از زندانی کردن، اصلاح مجرم است و یکی از موارد اصلاح مجرم این است که زندانی باید با دنیای بیرون در ارتباط باشد.» زیرا اگر زندانی با دنیای بیرون در ارتباط نباشد، برای او مجازات مضاعف

در قوانین بین‌المللی و قوانین داخلی بیشتر کشورها، حقوق زندانیان امری «مسلم» است، اما آنچه برجسته می‌نماید، کیفیت نظارت بر رعایت این حقوق در زندان‌ها است. حقوقی که به باور کارشناسان، سخن از اعطای آن به زندانی موضوعیت ندارد زیرا که این بخشی از «حقوق ذاتی» یک زندانی است.

اعطا نشدن مرخصی به زندانیان سیاسی، امنیتی و عقیدتی، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و شاعران مخالف با سیاست‌های نظام اسلامی در این سال‌ها همواره اعتراضات بسیاری در پی داشته است. حال آنکه اعطا نکردن مرخصی و عدم موافقت با عفو مشروط برای برخی زندانیان از مصادیق شکنجه است.

در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها که مرجع مرخصی برای زندانیان محسوب می‌شود، بین زندانی‌های عادی و زندانی‌های سیاسی-امنیتی تفاوت قائل شده است. در خصوص زندانی‌های عادی، اگر اقداماتی را انجام و امتیازبندی کنند، مرخصی شامل حال آن‌ها خواهد شد؛ مانند سوادآموزی زندانی بی‌سواد یا حسن خلق و رفتار مناسب اجتماعی او در زندان یا حفظ [قرآن]، این موارد امتیاز محسوب شده و فرد زندانی می‌تواند با اتکا به آن، از مرخصی بهره‌مند گردد اگرچه این امر بستگی به نوع جرم او دارد. از دیگر سو زندانیانی که به حیث جرم ارتكابی محکوم به حبس ابد اند و یا مرتکب جنایت شده‌اند، تا زمانی که تعیین

محسوب می‌شود و نوعی شکنجه است. زندانی بدون ارتباط با بیرون اصلاح نمی‌شود بل، افسرده و بیمار می‌شود. بنابراین عدم اعطای مرخصی به زندانی، مصداق روشی شکنجه محسوب می‌شود.

تعریف جرم سیاسی - امنیتی

جرم سیاسی در درون تحولات مدنی و اجتماعی شکل می‌گیرد، بحثی است درون حکومتی. زیرا که «جرم سیاسی در بحث های حقوقی جایگاهی» ندارد بلکه یک بحث حاکمیتی است. وقتی سخن از حاکمیت است، در واقع نحوه مدیریت حاکمیت مطرح نظر قرار می‌گیرد.

کشوری که بر اساس ایدئولوژی، سرکوب، سانسور، خفقان، زندان، شکنجه‌های هول‌انگیز، اعدام‌های بی‌وقفه و همه روزه (البته در قالب جرایمی غیر سیاسی)، جزو سیاست جدایی‌ناپذیر و پیوسته حکومت آن می‌شود.

همواره در تعریف جرم سیاسی در کشور ما مشکلات عمده‌ای وجود داشته و با گذشت حدود ۱۰۰ سال از ورود این عنوان به ادبیات حقوقی (و نه جایگاه حقوقی) هنوز هیچ گونه «تعریف مشخص و دقیقی» از آن ارائه نشده است.

بنابراین مرخصی زندانیان سیاسی و امنیتی تابع نهاد با زداشت‌کننده و نظر دادستان است و این با آیین‌نامه سازمان‌ها زندان‌ها که می‌گوید زندانی باید با دنیای بیرون ارتباط داشته باشد، در مغایرت با مندرجات آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها قرار دارد.

از این بیش نظام فقهتی در ایران جرم روزنامه‌نگاران را زیرمجموعه جرم‌های امنیتی قرار می‌دهند، برای شکنجه، تنبیه و ایجاد رعب و وحشت بیشتر است. در تابستان ۱۳۶۷ طی چند هفته بیش از ۵ هزار «زندانی سیاسی» اعدام شدند. اگرچه قتل عام تابستان ۱۳۶۷ صرفاً یک نمونه از لیست طولانی جنایات رژیم اسلامی در ایران از بدو تولد چهل و اندی ساله اش است.

فرانسه نخستین کشوری است که جرم سیاسی را وارد قانون جزایی خود نمود. بنابراین، نوسانات بسیاری در نحوه پذیرش جرم وجود دارد و مفهوم جرم سیاسی با تحولات مدنی و اجتماعی هم پیوند است.

با توجه به قوانین جزایی و جرایم، باید «میان جرایم عادی و سیاسی حد و مرز» قائل شویم زیرا این جرائم به یک «انگیزه» نیازمند است. در صورتی که در جرایم عادی، «سود و منفعت فردی و شخصی» مد نظر است و بسیاری از این جرائم ناشی از انگیزه‌های فردی است.

اما در جرائم سیاسی، انسان در یک حرکت به سوی تحولات اجتماعی و مدنی می‌رود و اساساً سود و منفعت و انتفاع «غیر فردی» و «غیر شخصی» در این نوع جرائم وجود دارد، ضمن اینکه ضدیت با حاکمیت سیاسی یا حقوقی و نیز خواست آزادی‌های قانونی شهروندی از خصایص ویژه این جرم تلقی می‌گردد.

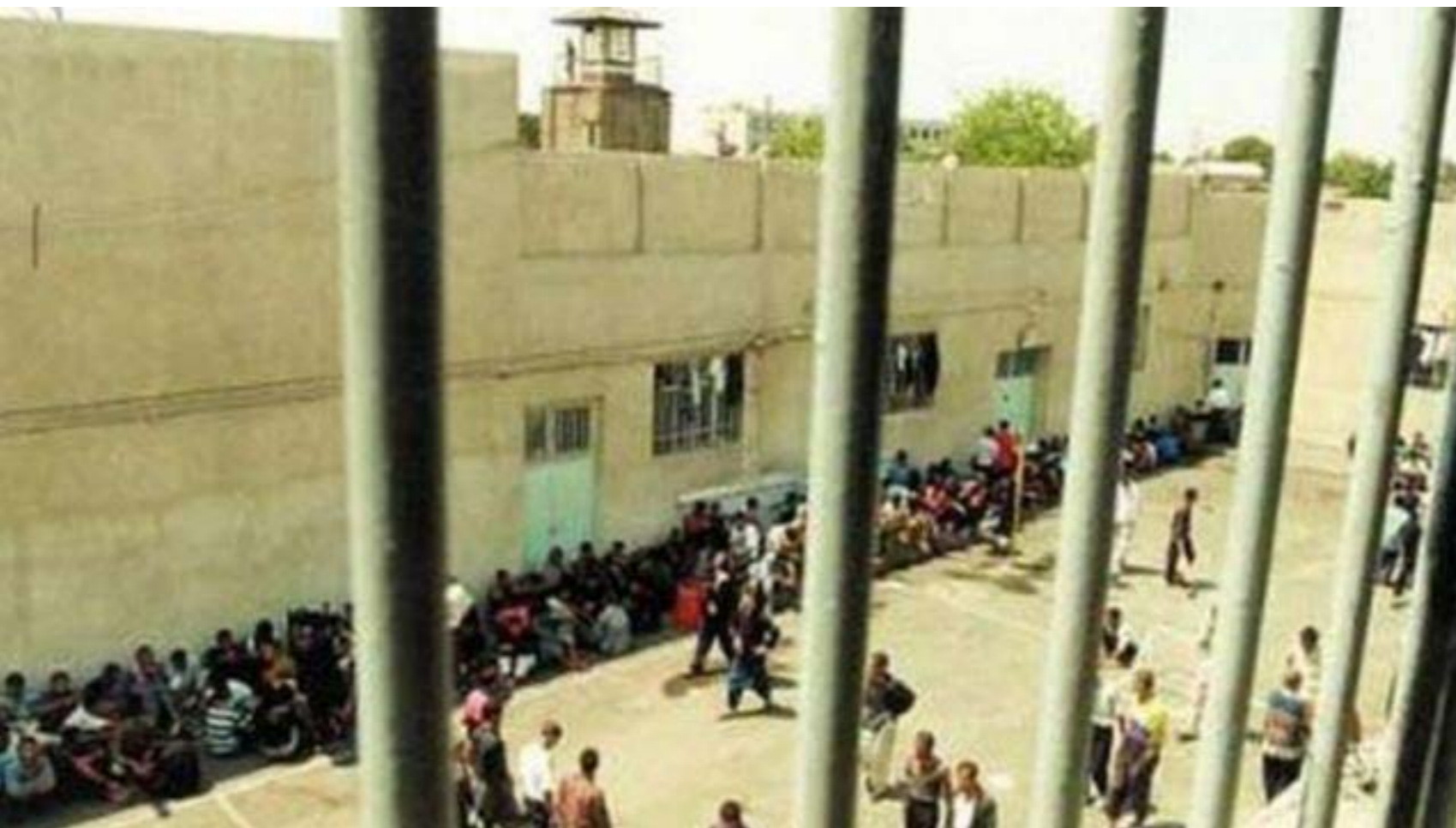
در این راستا، اصل ۱۶۸ قانون اساسی از دو بخش تشکیل یافته است. یک بخش مربوط به «جرائم سیاسی» است و بخش دیگر آن در رابطه با «جرائم مطبوعاتی» می‌باشد. در این اصل حضور هیئت منصفه و رسیدگی به جرائم مطبوعاتی را به صورت علنی مشاهده می‌شود.

نخستین نکته در جرم سیاسی «آزادی بیان» است، کسی که با نیت مثبت و خیرخواهانه در مورد مسائل مربوط به جامعه اظهار نظر می‌کند. یعنی قصد ساختار سیاسی را دارد و مدیریت کلان جامعه را بر نمی‌تابد.

باید در جرائم سیاسی و نیز جرائم مطبوعاتی این موضوع را مورد بررسی و تفحص دقیق و گسترده قرار داد. در واقع پیش از این که تعریف این جرائم اهمیت یابد، «اجرای قانون اساسی» برجسته می‌نماید که توسط مقنن و قانونگذار «ضامن آزادی بیان» در جامعه می‌باشد.

و این در حالی است که عضو کمیسیون حقوقی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه در قانون جدید مجازات اسلامی تعریفی مشخص و تبیین شده از جرم سیاسی ارائه نشده است، گفته است: «کمیسیون در حال بررسی طرحی است مبتنی بر «تعریف جرم سیاسی که نوع جرم و مجازات آن را تبیین خواهد کرد».

وی همچنین در رابطه با تعریف جرم سیاسی و به ویژه مجازات اعدام برای این گروه از مجرمین در قانون جدید مجازات اسلامی ادامه داد: «که با توجه به اینکه جرم سیاسی در قانون وجود نداشته، بنابراین هیچ زندانی سیاسی در زندان‌های کشور وجود نداشته و تفهیم اتهام زندانیان، غیر سیاسی بوده و از این بیش



به موجب قانون، در نظام اسلامی، مجازات مطلق اعدام، علیه امنیت ملی کشور، اعدام نیست و هیچ گونه اعدام سیاسی نیز تاکنون نداشته ایم». از دیگر فراز ایراد توهین‌های زشت اخلاقی نسبت به زنان، متهم ساختن آنان به داشتن «روابط نامشروع با مردانی که آنان نیز فعالیت سیاسی می‌کردند» از دیگر شکنجه‌ها و آزارهای روحی و روانی است که به منظور به ابتذال کشاندن روابط سیاسی و فکری افراد به آنان ایراد می‌شود.

در همین ارتباط به استناد گزارش وزارت امور خارجه کشور سوئد در خصوص حقوق بشر در ایران، در سال ۲۰۰۳ میلادی: «وضع حقوق بشر در ایران مانند گذشته بسیار نگران کننده است. اعدام‌ها، مجازات‌های غیرانسانی و بازداشت‌های خودسرانه به طور گسترده رواج دارد

. هیچ گونه بهبودی در وضع حقوق بشر تاکنون در ایران مشاهده نشده. اما بر نکته مثبتی می‌توان اشاره کرد که عبارت است از علاقه فزاینده مردم ایران به مسائل حقوق بشر و آگاهی فزاینده آنان از تجاوزهایی که به حقوق بشر روا داشته می‌شود

. مجازات‌های خشن مانند سنگسار هنوز هم در مطابقت با مقررات حدود شرعی در ایران اجراء می‌شود. در ایران حق بیان و اعلام عقاید دگر اندیشانه، به رغم تضمین این حقوق در قانون اساسی، رعایت نمی‌شود. منتقدان رژیم و اشخاصی که به بیان عقاید خود می‌پردازند در معرض خطر زندانی شدن یا مجازات‌های دیگر قرار دارند

. درست است که سانسور مطبوعات معمول نیست (بر خلاف کتاب که مشمول سانسور است) اما رسانه‌های همگانی نمی‌توانند آزادانه فعالیت کنند. و روزنامه‌نگارانی که بیانگر یا انتقال دهنده نظرات انتقادی علیه رژیم باشند در معرض مجازات زندان قرار دارند. در ایران نظام «مدیر مسئولی» که تنها مدیر مسئول مشمول مقررات قضائی باشد معمول نیست

. اپوزیسیون سیاسی در ایران با محدودیتی چشمگیر روبروست. انتقاد از رژیم اصولاً ممنوع است و منتقدان به شدت مجازات می‌شوند». ضمن اینکه در روز «انتصابات» در ایران ۱۳۹۲، رئیس سازمان زندان‌های کشور اعلام کرد: «که کلیه زندانیان سیاسی

در زندانهای ایران نیز در این انتخابات شرکت نموده و به کاندیدای خود رأی داده اند». در صورتی که پیش از انتصابات ایشان و هم چنین عضو کمیسیون حقوقی مجلس در ارتباط با جرم سیاسی و ایضاً زندانیان سیاسی اعلام کرده بودند که: «در زندانهای ایران هیچ زندانی سیاسی وجود ندارد!»

اساساً جرم سیاسی در کشورهای دموکراتیک رخ نمی دهد زیرا در این نظام ها اگر مردم از روند اداره حکومت سیاسی کشورشان رضایت نداشته باشند، «رأی» نمی دهند و در «مسائل اجتماعی» شرکت نمی کنند و بدین طریق مخالفت خود را اعلام می نمایند و دیگر نیازی به ارتکاب جرم و خشونت نیست. بل بحث پیرامون جرم سیاسی و تعریف آن در کشورهایی که تحت حکومت و انقیاد حکومت های غیردموکراتیک و ایضاً دیکتاتوری هم چون «ایران» مطرح می شود.

مسئله جرم سیاسی مختص به جوامع بسته و یا در حال گذار است که نخست آنکه: قوانین آن دموکراتیک نیست، یعنی اموری را جرم دانسته که در یک جامعه باز «فعالیت متعارف سیاسی» محسوب می شود.

دوم اینکه: از آنجا که حاکمیت متکی به «رأی و نظر مردم» نیست، از تحمل مخالف قانونی عاجز است و عملاً از قوانین درست یا قوانین مبهم و دو پهلو تفسیر مُصِیِّق می کند. اگر در چنین جوامعی (مانند ایران) جامعه مدنی بتواند ریشه داروگسترده گردد و به افکار عمومی سروسامان دهد و هیئت منصفه واقعی به دادگاه ها به منظور برپایی یک دادرسی قانونی و عادلانه، بفرستد، و با تفکیک جرایم سیاسی از دیگر جرایم، تسهیلاتی برای متهم سیاسی قائل شود.

آنگاه می توان در خصوص فعل و یا ترک فعل تحت عنوان «جرم سیاسی» نظریه ای حقوقی و مسلم ارائه داد.

اگرچه مسئولان ذیربط در ایران همواره اذعان می دارند که اساساً زندانی سیاسی در زندان های ایران وجود ندارد و تفهیم اتهامات، مواردی غیر سیاسی است.

قوانین بین المللی و حقوق زندانیان

در برخی کشورها زندان های نامناسبی وجود دارد؛ زندان هایی در امریکا، که موجب کشتن و نابودی زندانی می شوند. اما در کشورهای پیشرفته، یعنی کشورهای با نظام حقوقی مطلوب،

منبع بین المللی است اشاره کرد. برانگیزنده تر این که، کنگره ۱۹۵۵ به کلیه پرسش ها درخصوص این که آیا مرخصی یک زندانی حق است یا امتیاز، پاسخ می دهد. از این بیش این کنگره به تحلیل بر نحوه چگونگی رفتار با زندانی، حقوق ترمیمی و یا نظریه طرف داران مکتب فایده و طرف داران مکتب اصلاحی پرداخته است.

و این در حالی است که در نظام اسلامی در ایران به مرخصی زندانی هنوز در قالب «امتیاز» نگریسته و اجرا می شود. با توجه به اینکه «مرخصی» حق زندانی است و زمانی این حق از زندانی سلب می شود، او را مجازات می کنند که در حقیقت یک نوع شکنجه است.

به استناد آیین نامه سازمان زندان ها مرخصی یک امتیاز است، که با حق بودن این امر در تعارض قرار می گیرد زیرا می گویند زندانی باید با دنیای بیرون در ارتباط باشد. در امور بین الملل، استانداردهای حداقل حقوق زندانی مصوب سازمان ملل و کنگره ژنو ۱۹۵۵ تصریح می دارد: «حق مرخصی زندانی، ملاقات و دیدار خانواده، ورزش و اکتیویته، تغذیه، استراحت، فرستادن مرسولات، دسترسی به روزنامه و کتاب.»

حق زمان مرخصی بستگی به قوانین داخلی کشورها دارد. هر کشوری قوانین جزایی داخلی خود را بر مبنای جرم انگاری جرائم و مجازات ها تدوین می نماید؛ در کشورهایی که مجازات اعدام ندارند، اگر فردی به ارتکاب جنایت محکوم شده باشد، در کانادا ۲۰ سال حبس و یا به موجب قانون جزایی سوئد مصوب ۱۸۶۵ مجازات قتل عمد بین ۱۹ تا ۱۵ سال حبس است. یقیناً شرایط مرخصی این فرد کمتر از مجرم سارق است. بدین سیاق براساس استاندارد این زندانها مرخصی حق بوده و با توجه به شدت جرم و نوع مجازات، این حق اعمال شود. و این در حالی است که در زندانهای ایران نه تنها این حق از زندانی سلب می شود، بل، ابزار شکنجه می گردد.

مرخصی زندانیان بیمار

در خصوص زندانیان بیمار، مرخصی اساساً اقدام اندک و ناچیزی است زیرا مقوله زندانیان بیمار از مرخصی بیرون می آید. درباره زندانی بیمار سخن از مرخصی، اجحاف است و باید تبدیل مجازات صورت گیرد. در جرایم تعزیری، چنانچه بیماری مستمر



این اصل مقرر می دارد: «تنها می توان زندانیان را طبقه بندی و در زندان نظم ایجاد کرد.»

اصل ۵۸ تاکید می نماید: «هدف و دلیل محکوم کردن فرد به زندان یا اقدام مشابه در محروم سازی از آزادی، در نهایت محافظت جامعه از جنایت است. این منظور در صورتی حاصل می شود که مدت نگه داری فرد در زندان در حد امکان مصروف آن شود.»

در حقوق بین الملل و به ویژه در «نخستین کنگره مجازات مجرمین و جلوگیری از جنایت سازمان ملل ۱۹۵۵» این مسایل را مطرح گردیده است. البته مصوبه این کنگره مورد وثوق همه دولت ها و ملت ها است. زیرا که برگزار کننده آن سازمان ملل بوده است. براساس حقوق بین الملل در خصوص زندانی باید قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان مشخص و دارای ضمانت اجرا باشد. این قواعد، مصوب سازمان ملل اند و کشورها موظف به تبعیت و پیروی از این قواعد هستند.

بنابراین ملاک در حقوق و در قواعد بین المللی و این که آیا ایران از آن قواعد پیروی می کند، می توان به بند ۸۱ قواعد حداقل استاندارد برای رفتار با زندانیان مصوب سازمان ملل که یک

زندان هایی که دارای امکاناتی چون محل نگهداری با استاندارد و... که از نظام نامه سازمان ملل پیروی می کنند، وجود دارند. فراتر از این قانون مبتنی بر «حق» و قانون مبتنی بر «فایده» پیامدهای متفاوتی دارند. در دوران امروز، قانون مبتنی بر «حق» پیشی گرفته است و دیگر نگاه فایده گرایانه وجود ندارد و «امتیاز» منسوخ شده است. بنابراین، هیچ عاملی نمی تواند «حق» را از فردی سلب کند. مرخصی و ملاقات زندانی یک «حق» است و تنها در صورتی که سبب تزامم حقوق شود، موقتاً ساقط می شود. براین پایه علم حقوق در دنیای امروز بر حق استوار است و اگر با حق دیگری تزامم پیدا کند، آن موقع می شود آن را از بین برد؛ مانند مرخصی یک تبه کار با امنیت مردم در جامعه تزامم پیدا می کند. اصل ۵۷ مصوبه استانداردهای زندان سازمان ملل متحد می گوید: «زندانی کردن و دیگر اقداماتی که فرد خلاف کار را از تماس با دنیای بیرون محروم می سازد و همین که حق تصمیم گیری را از فرد سلب می کند و او را از آزادی محروم می سازد، دردآور است. بنابراین، سیستم زندان نباید جز در موارد جداسازی موجه، همچون تفکیک زندانیان و تامین نظم، دشواری شرایط را افزایش دهد.»

و ادامه دار باشد، باید تبدیل و جایگزین مجازات انجام شود؛ می توانند زندان را تبدیل به جریمه نقدی کنند و یا مرخصی استعلاجی یا درمانی بدون محدودیت تبدیل شود. برای نمونه «بکتاش آبتین»، نویسنده و شاعر که از بیماری های گوناگون رنج می برد اما بدون حق مرخصی در زندان نگهداشته شد، که این امر به موجب قوانین داخلی و بین المللی غیر قانونی است. حال اگر وضعیت چنین بیماران و نگهداشتن زندانی در زندان، موجب تشدید بیماری فرد شده و بهبودی او را به تاخیر می اندازد مورد تایید پزشکی قانونی قرار گیرد، نگهداشتن زندانی در زندان غیر قانونی است. در این باره می توان به ماده ۵۲۰ «آیین دادرسی کیفری» استناد نمود. که در زمان عدول از این ماده قابلیت شکایت توسط خانواده زندانی را داراست.

اعطای مرخصی و ماهیت تأمین اخذ شده از زندانی

ماهیت تأمین اخذ شده از زندانیان جهت اعطای مرخصی به آنها و همچنین ضمانتهای خاص در نظر گرفته شده برای اطفال مجرم یکی از مسائل مطرح در نظام کیفری است. به استناد ماده (۲۱۴) آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی در صورت غیبت زندانی پس از پایان مرخصی تأمین مأخوذه از زندانی به نفع دولت ضبط می گردد. با توجه به اینکه اخذ تأمین توسط قضات ناظر زندان صورت می گیرد اما توافق بین قاضی و محکوم علیه نمی تواند ماهیت ضمانت را تغییر دهد بنابراین لازم نیست جهت ضبط تأمین از طریق مراجع قضایی اقدام گردد. رأی وحدت رویه دیوانعالی کشور مصوب ۱۳۸۴ نیز همین طریقه را تأیید نموده است قرارهای تأمین اخذ شده از اطفال بزهکار مطابق ماده (۲۲۴) قانون آئین دادرسی کیفری شامل اخذ التزام از ولی یا سرپرست قانونی و وثیقه است ماده (۲۲۴) کفالت را به عنوان قرار برای اطفال قید نکرده است اگر چه در خصوص امکان صدور قرار کفالت برای اطفال بزهکار اختلاف نظر است اما ضمانت مندرج در بند الف ماده (۲۲۴) نوعی اخذ کفیل می باشد.

زندانیان و اطفال دو گروه از اشخاصی هستند که در قوانین جزایی همه کشورها مورد توجه قرار گرفته اند. زندانیان از حیث درمان و اصلاح در دوره های محکومیت و حفظ حقوق آنها در

دوران تحمل مجازات و کودکان از حیث موقعیت سنی همیشه در صدر توجهات قوانین جزایی بوده اند.. پس از تصویب و اجرای قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی ۱۳۷۷، افراد زیادی به زندانهای کشور معرفی شدند و در نتیجه بحث مرخصی زندانیان محکومیت مالی به عنوان راه حلی برای رفع مشکلات زندانیان مورد توجه بیشتر قوه قضاییه قرار گرفت به علاوه برای مرخصی آنها با اخذ تأمین های وثیقه یا کفالت تسهیلاتی ایجاد شد و بدین وسیله افراد زیادی توانسته اند از مرخصی های طولانی برای حل مشکلات مالی و جلب رضایت شکات استفاده نمایند.

آیا تعهد کفیل یا وثیقه گذار برای معرفی محکومین تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است یا قراردادی میان قاضی ناظر زندان و محکوم علیه زندانی است؟

ماده (۲۱۴) آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مقرر می دارد: «چنانچه زندانی پس از پایان مدت مرخصی، به تشخیص مقام اعطا کننده مرخصی بدون عذر موجه به زندان مراجعه ننماید، علاوه بر ضبط تأمین مأخوذه مطابق مقررات آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، اقدام قانونی لازم معمول و ایام مرخصی و غیبت جزء دوران محکومیت وی محسوب نمی گردد.» از سوی دیگر تبصره ماده (۵۴۷) قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «زندانیانی که مطابق آیین نامه زندانیان به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی ننمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می گردند.»

اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۲۰۲۲-۱۳۸۲/۳/۱۵ چنین آورده است: «اخذ وثیقه یا کفالت در ماده ۲۰۶ الی ۲۱۶ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی کشور با اصلاح بعضی از مواد مصوب ۱۳۸۱ براساس ماده (۱۰) قانون مدنی ممکن است و تعمیم آن به مقررات مربوط به تأمینات یاد شده در ماده (۱۳۲) به بعد از جمله ماده (۱۴۰) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ توجیه قانونی ندارد.» (۱) این موضوع همچنین در نشست قضایی شهریور ماه ۱۳۷۸ قضات کرمان مطرح گردید.

و چنین نتیجه گیری شده است: «در صورتی که پیش از اعطاء

مرخصی بین مرجع اعطاکننده ی مرخصی و وثیقه گذار قراردادی دائر به اخذ وثیقه منعقد گردد به موجب قرارداد مورد نظر وثیقه گذار متعهد می گردد که در خاتمه مرخصی، زندانی را معرفی نماید در غیر این صورت مقام مسئول حق دارد اقدام قانونی بعمل آورد و چون در این مورد قانونگذار همانند ماده (۱۴۰) قانون آیین دادرسی کیفری اختیار ضبط وثیقه را رأساً به مقام اعطاء کننده مرخصی تفویض نکرده، بنابراین با توجه به مقررات ماده (۱۰) قانون مدنی و ماده (۲۱۴) آیین نامه مزبور مقام مسئول باید به دادگاه عمومی مراجعه و ضبط و وثیقه را درخواست نماید»

پس، با توجه به اینکه مرخصی ها با اخذ کفالت یا با صدور قرار وثیقه آن هم توسط قضات ناظر زندان صورت می گیرد اگر چه این اقدام به موجب آیین نامه صورت می گیرد اما مغایرتی با مقررات آیین دادرسی کیفری در باب تأمین ندارد زیرا هدف از اعطای مرخصی، کمک به محکومین به ویژه «محکومین مالی» برای کسب رضایت از شکات است!...»

قرارهای تأمین در مورد کودکان بزهکار

ماده (۱۹) قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸/۸/۱۰ مقرر می دارد: «در جریان تحقیقات مقدماتی به تشخیص دادگاه مخصوص اطفال ممکن است طفل به قسمت نگهداری موقت کانون اصلاح و تربیت اعزام گردد یا به ولی یا سرپرست او تسلیم شود با التزام به این که هر وقت دادگاه اطفال او را خواست معرفی نماید و در صورت عدم معرفی وجه التزام بپردازد.»

همچنین تبصره ۳ ماده (۳۳) این قانون مقرر داشته است: «در جریان تحقیقات مقدماتی دادگاه متهمین بین شش تا دوازده سال تمام را به ولی یا سرپرست می سپارد با قید التزام به این که هر وقت حضور طفل لازم باشد او را معرفی کند والا وجه التزام به دستور دادگاه وصول خواهد شد. در مورد متهمین بین ۱۲ تا ۱۸ سال تمام به تشخیص دادگاه یا به ترتیب فوق اقدام و یا از متهم تأمین کفیل اخذ می شود. هرگاه جرم از درجه جنایت باشد دادگاه می تواند متهم را با صدور قرار بازداشت موقت در دارالتادیب توقیف نماید.»

قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ با تقسیم اطفال به سه گروه تا ۶ سال، ۶ تا ۱۲ و ۱۲ تا ۱۸ سال، برای هر مرحله تعیین تکلیف نموده بود. آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ بدون اشاره به این تقسیم بندی در ماده (۲۲۴) تصریح نموده است «در جریان تحقیقات مقدماتی چنانچه ضرورتی به نگهداری طفل نباشد برای امکان دسترسی به او و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن وی با توجه به نوع و اهمیت جرم و دلایل آن حسب مورد با رعایت مقررات مذکور در مبحث دوم از فصل چهارم باب اول این قانون یکی از تصمیمات زیر اتخاذ خواهد شد:

الف: التزام ولی یا سرپرست قانونی طفل یا شخص دیگری به حاضر کردن طفل در موارد لزوم، با تعیین وجه التزام، اعتبار افراد مذکور باید احراز گردد.

ب: ولی یا سرپرست طفل یا شخص دیگری برای آزادی طفل وثیقه مناسب (به نظر دادگاه) بسپارد.

تبصره ۱. در صورتی که نگهداری طفل برای انجام تحقیقات یا جلوگیری از تبانی نظر به اهمیت جرم ضرورت داشته باشد.

یا طفل ولی یا سرپرست نداشته یا ولی و سرپرست او حاضر به التزام یا دادن وثیقه نباشند و شخص دیگری نیز به نحوی که فوقاً اشاره شد التزام یا وثیقه ندهد طفل متهم تا صدور رأی و اجرای آن در کانون اصلاح و تربیت به صورت موقت نگهداری می شود»

از مقایسه قانون اطفال مصوب ۱۳۳۸ و مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ آیین دادرسی کیفری می توان گفت:

۱. قانون سال ۱۳۳۸ صدور قرار کفالت را برای اطفال ۱۲ تا ۱۸ سال پیش بینی کرده بود.
۲. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، صرفاً قرارهای التزام و وثیقه را مجاز دانسته و دادگاه اطفال در مورد اشخاص تبصره ۱ ماده (۲۱۹) نمی تواند قرار کفالت صادر نماید.
۳. در مورد اشخاص موضوع تبصره ۲۰۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری، می توان قرارهای تأمین برابر مقررات قانون مذکور در فصل چهارم باب اول این قانون را صادر کرد.
۴. قانون اطفال ۱۳۳۸ با دقت و ظرافت بیشتری به مسائل اطفال به ویژه در مورد قرارهای تأمین پرداخته بود.



۵. در خصوص صدور قرار وجه التزام برای ولی یا سرپرست یا شخص ثالث از عبارت «اعتبار افراد مذکور باید احراز گردد» استفاده شده که در قانون ۱۳۳۸ چنین قیدی وجود نداشت. افزون بر این بنظر می‌رسد منظور از احراز اعتبار توانایی مالی ولی یا سرپرست یا شخص ثالث می‌باشد.

۶. در ماده (۱۳۵) قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً در مورد کفیل لزوم احراز اعتبار ذکر شده است. و در مورد صدور قرار التزام چنین قیدی مشاهده نمی‌شود. اما در ماده ۱۳۶ تأکید شده است: «مبلغ وثیقه یا وجه الكفاله یا وجه التزام نباید در هر حال کمتر از خسارت‌هایی باشد که مدعی خصوصی درخواست می‌کند.» برای حل این تعارض می‌توان گفت با توجه به قید اعتبار، منظور قانونگذار نوعی اخذ کفالت از ولی یا سرپرست یا شخص ثالث بوده است..

در همین زمینه اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۳۱۵ . ۱۳۶۳/۳/۲۹ . چنین آورده است: (۸) «ماده (۲۶) قانون راجع به مجازات اسلامی (در حال حاضر ماده ۴۹ همان قانون) اطفال را در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری دانسته و تبصره ۱ ماده مذکور نیز تصریح نموده که منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.» طبق تبصره ۱ ماده (۱۲۱۰) اصلاحی قانون مدنی مصوب ۱۳۶۰ سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و برای دختر ۹ سال تمام قمری است. بنابراین، چنانچه دختر کمتر از ۹ سال تمام قمری و پسر کمتر از ۱۵ سال تمام قمری مرتکب جرم شوند فاقد مسئولیت جزایی بوده و اخذ تأمین مورد و موجبی نخواهد داشت.

با وجود اینکه تاکنون بی‌رحمانه‌ترین و شدیدترین شکنجه‌ها و مجازات‌ها در مورد مجرمین اجرا گردیده اما از ازدیاد بزهکاری پیشگیری نشده است. انگاره اصلاح و تربیت مجرمین نباید منجر به این نارسایی گردد که نماینده نظم حاکم (زندانبان) قادر است برای اصلاح و تربیت او هر کاری و هر اقدامی علیه زندانی انجام دهد. این مسئله مهم است، که ما را به سمت حقوق زندانبان راهنمایی می‌کند.

در سال ۱۹۳۳ اصطلاح «حقوق زندانبان» در سومین کنگره بین‌المللی حقوق جزا و زندانبانها در سوئد پذیرفته شد. در کنگره یاد شده، حقوق زندانبان را چنین تعریف نمودند: «مجموع قواعد و اصول قانونی که رابطه بین دولت و محکوم را از زمان

شروع اجرای مجازات و یا تاریخ بازداشت تعیین می‌کند.» طرز اجرای کیفر، روش‌های اصلاحی و تربیتی و یا درمانی و نیز تطبیق دادن آنها با شخصیت بزهکاران و همچنین مسئله تشکیلات زندانبانها و شرح و وظایف مسئولین و کار در زندانبانها، یعنی اصولی که رعایت آنها مستلزم بهبود وضع زندانبان و آماده نمودن آنان برای بازگشت به زندگی اجتماعی است، موضوع حقوق زندانبان است.

از جمله مهم‌ترین حقوق زندانبان، حقوق فرهنگی آنهاست. اگر ما در تعریف مجازات حبس به این نکته اشاره کنیم که حبس فرصتی است برای احیا و پرورش آدمی، جهت بازگشت به صحنه روابط اجتماعی، بی‌شک حقوق فرهنگی زندانی یا کنش‌های فرهنگی او در درجه بالایی اهمیت قرار می‌گیرد.

زندانبان و حق حیات زندانی

گاهی حفظ حیات آدمی برعهده دیگری است. زندانی هم از جمله کسانی است که زندانبان و نهادهای حقوقی همچون قوه قضاییه و سازمان زندانبانها مسوول حفظ و مراقبت از تمامیت

جسمی و روحی وی است به ویژه اگر زندانی مبتلا به امراض مهمه بوده و بقای وی منوط به مساعی زندانبان در جهت درمان آن بیماری یا بیماری‌ها باشد.

بدیهی است عدم درمان یا درمان ناکافی و غیرمناسب یا تأخیر در درمان از سوی زندانبان و بهداری آن، مرگ زندانی مبتلا به بیماری مهم را تسهیل و تسریع می‌کند و در این فرض نمی‌توان مرگ زندانی بیمار را معلول بی‌توجهی زندانبان دانست مگر آنکه وی به‌رغم احساس درد یا بروز عارضه یا عوارض مبین وجود بیماری، به پزشک یا بهداری زندانبان مراجعه و طرح مشکل نکرده باشد. انسان‌ها را به ضرورت حفظ حیات و بهداشت جسمی و روحی زندانبان و اتخاذ تدابیر لازم و شایسته توسط قوه قضاییه و سازمان زندانبانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به منظور تأمین شرایط و امکانات بهینه‌زیست زندانبان جلب کرد.

صرف نظر از اینکه ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام داشته: «هر فرد از حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی برخوردار است.» و ماده ۲۵ همان اعلامیه نیز تصریح کرده: «هر کسی این حق را دارد که خود و خانواده‌اش از سطح مطلوبی از سلامتی

جسمی و روحی برخوردار باشند.» ماده ۶ آیین‌نامه انضباطی سازمان ملل برای مسوولان اجرای قانون هم عنوان کرده که مسوولان اجرای قانون باید مراقب باشند که بهداشت زندانبان به‌طور کامل رعایت شود و به‌ویژه آنکه باید تدابیری اتخاذ کنند که مراقبت‌های پزشکی هر بار که لازم باشد در اختیار زندانبان قرار گیرد. شورای بین‌المللی خدمات پزشکی در زندانبان در متن موسوم به سوگندنامه بقرات/ آتن اذعان کرده: «ما شاغلین در امور بهداشتی که در زندانبانها فعالیت می‌کنیم در ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۹ در آتن گردهم آمدیم تا مطابق روح حاکم بر سوگندنامه بقرات متعهد شویم که بهترین مراقبت‌های پزشکی را در اختیار زندانبان قرار خواهیم داد و دلیل زندانبانی شدن آنها تأثیری در این انجام وظیفه نخواهد داشت، ما بدون پیشداوری و در چارچوب اخلاق حرفه‌ای خود به مراقبت خواهیم پرداخت. ما حق افراد زندانبانی شده برای برخورداری از بهترین مراقبت‌های پزشکی ممکن را به رسمیت می‌شناسیم...» اصل ۹ از مجموعه اصول اساسی مربوط به معالجه زندانبان نیز بیان می‌دارد: «زندانبان باید به خدمات بهداشتی موجود در داخل کشور دسترسی داشته باشند بدون آنکه به خاطر وضعیت قضایی خود دچار تبعیض شوند.» و از همه مهم‌تر قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای رفتار با حبس‌شدگان است که در نخستین کنگره سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم و کار اجباری بزهکاران که در سال ۱۹۵۵ در ژنو برگزار شد به تصویب و تأیید شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل رسیده است. در قاعده شماره ۲۴ از قواعد بالا عنوان شده که پزشک باید هر زندانی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از پذیرش وی در زندانبان و به دفعات ممکن و لازم پس از آن مورد معاینه قرار دهد به‌ویژه به این منظور که بیماری جسمی و روحی احتمالی را در وی کشف و تدابیر لازم را اتخاذ کند. در بند ۱ قاعده شماره ۲۵ آمده: «پزشک مسئول نظارت بر سلامت جسمانی و روانی زندانبان است. او باید هر روز زندانبان بیمار را ملاقات نماید یعنی همه زندانبانی را که از بیماری شکوه دارند...» و در بند ۲ همان قاعده هم عنوان شده: «پزشک هر بار که معتقد شود تنبیه جسمی و یا هر تنبیه دیگر موجب لطمه خوردن بر سلامت جسمانی و روانی زندانبانی می‌شود باید گزارشی در این زمینه به مدیر زندانبان ارائه کند.» بند ۲ قاعده شماره ۲۲ نیز مقرر داشته: «برای بیمارانی که نیاز به

مراقبت‌های ویژه دارند باید امکان انتقال آنان به زندان‌های تخصصی یا بیمارستان‌های شهری پیش‌بینی شود. زمانی که معالجات در داخل زندان صورت می‌گیرد زندان باید مجهز به ابزار، آلات و فرآورده‌های دارویی باشد تا امکان مراقبت و معالجه مناسب برای زندانیان فراهم آید و پرسنل پزشکی نیز مهارت حرفه‌ای لازم را کسب کرده باشند.

روح حاکم بر این مقررات، اصول و قواعد بین‌المللی مبتنی بر ضرورت درمان زندانیان بیمار، حفظ بهداشت جسمی و روحی آنان و انتقال زندانیان بیمار به بیمارستان‌های خارج از زندان در مواقع ضرورت است و هیچ‌گاه اعزام زندانی بیمار به مراکز درمانی خارج از زندان منوط به تایید و موافقت مقامات زندان به‌نحوی که در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی شده، نیست، و نظریه پزشک به شرح آن اصول و مقررات اصالت داشته و قابلیت اجرا دارد. نگارنده بر آن است مادامی که قوانین داخلی خود را با موازین بین‌المللی تطبیق نداده و بر طبق آن موازین به اصلاح آنها همت نگمارده‌ایم، بروز وقایعی نظیر مرگ امیرحسین حشمت‌ساران در آینده دور از ذهن نخواهد بود. امید آنکه جان تمامی انسان‌ها از جمله زندانیان برای ما محترم بوده و صیانت از آن را بر خود فرض بدانیم.

روانشناسی زندان و زندانی و پیامدهای حقوقی آن

در زندان شایع‌ترین بیماری‌ها، بیماری‌های روحی است. زندان لابراتواری است که ثابت کرده است که منشا عمده مشکلات زندانی، بیماری جسمی باشد اما در واقع ریشه آن بیماری‌های روحی است. زندانبان غالباً درکی از زندانی بودن و وضعیت روحی و درونی آنان نداشته و نگاه ظاهربین دارند به ویژه زندانبان‌هایی که دوره‌های آموزشی و علمی ندیده‌اند. بحث روانشناسی زندان و زندانی در اینجا به دلیل ثمرات حقوقی مهمی بسیار با اهمیت است. اینکه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر لزوم مرخصی و تسهیلات گسترده در زندان‌ها مانند حق ملاقات و مرخصی و دسترسی به تلفن و روزنامه و کتاب و رادیو و تلویزیون و فضاهای ورزشی و کتابخانه و... تاکید شده است مبتنی بر شناخت و انباشت همین تجربه‌ها و مسائل عینی است و امتیاز دادن به مجرم نیست بل، برای این

است که زندانی تنها باید در حدی که محکوم شده مجازات شود و در واقع نه مجازات به معنای سنتی بل، از جامعه دور نگه داشته شود و اگر کمترین صدمه‌ای به او وارد شود غیرقانونی و غیرانسانی و جرم است.

فرجام سخن

با توجه به آنچه پیشترگفته شد از نظر حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل و اسناد جهانی حقوق بشر، بر میهن ما نیروئی مسلط است که خود را «تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش وهم‌فکر» تعریف می‌کند.

برای «هم‌کیش وهم‌فکر» کردن ایرانیان سالهاست که رکورد دار اعدام است. بیش از ۷۰۰ قطعنامه محکومیت این رژیم به دلیل نقض گسترده حقوق بشر در ایران توسط سازمانهای حقوقی بین‌المللی و به ویژه سازمان حقوق بشر ملل متحد گواه زنده طبیعت این رژیم بوده و نیز این نظام در صدد ایجاد شرایطی است که «در آن انسان با ارزشهای جهانشمول اسلامی پرورش یابد» و «به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار»

کند. تکلیف قانونی دارد که «استمرار مبارزه در راه نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد».

در ۲۵،۱۱،۱۴۰۰ رئیس قوه قضاییه، محسنی اژه‌ای طی بخشنامه‌ای به واحدهای قضایی سراسر کشور دستور داد: «به مناسبت [اعیاد رجبیه و در پیش بودن ماه شعبان] مطابق روال مسبوق به سابقه به تعدادی از زندانیانی که حضورشان در بیرون از زندان برای [مردم!] مضر نیست و واجد شرایط قانونی اند مرخصی ویژه داده شود. در این بخشنامه تاکید شده است به منظور نیل به اهداف عالی در بازسازی اجتماعی و اخلاقی زندانیان، برقراری روابط عاطفی بین زندانیان و اعضای خانواده آن‌ها و همچنین به منظور رعایت هشدارهای ستاد ملی مقابله با کرونا مبنی بر شیوع موج جدید بیماری کووید ۱۹، به زندانیان محکوم، با رعایت شرایط و اخذ تأمین مناسب از تاریخ ۲۵ بهمن تا ۱۱ اسفند و یا از تاریخ ۹ اسفند تا ۲۸ اسفند ۱۴۰۰ مرخصی داده شود. کلیه محکومان به حبس در زندان که واجد شرایط قانونی باشند و کلیه زندانیانی که صرفاً به دلیل عجز از پرداخت جزای

نقدی در بازداشت هستند و همچنین دارندگان محکومیت‌های مالی که حداقل سه ماه از مدت اقامت آنان در زندان گذشته شامل این مرخصی می‌شوند.

محکومان جرائم سرقت، جاسوسی، سیاسی/عقیدتی و اقدام علیه امنیت کشور، که محکومیت آن‌ها بیش از پنج سال باشد، آدم ربائی، جرائم بانندی و سازمان یافته، تجاوز به عنف، اسید پاشی، قاچاق سلاح و مشروبات الکلی، قصاص و اعدام و حدود شرعی، قاچاق مسلحانه و یا عمده مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، محکومان بیش از دو سابقه محکومیت کیفری و محکومانی که به شرارت مشهورند یا رفتار مناسبی در زندان نداشته‌اند، شامل این مرخصی نخواهند شد. البته منظور از موارد یاد شده در بالا همان مواد ۲۸۶، ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و در خصوص جرائم سیاسی/عقیدتی است.

همچنین به استناد بخشنامه صادره توسط قوه قضاییه ۲۶،۱۲،۱۳۹۷ در خصوص اعطای مرخصی به زندانیان، بطور گزینشی بخشی از زندانیان (۵۰،۰۰۰) را با عناوین تعلیق مجازات، تعویق مجازات، مرخصی، و عفو... آزاد کردند اما اکثریت آنها که بیش از صد هزار تن بوده در خوف و وحشت مرگ از کرونا زندانی اند. فراتر از این در بند «د» بخشنامه مورد نظر به تصریح آمده است: «مفاد این بخشنامه شامل مرتکبین جرائم ذیل نخواهد شد: «محکومین به اقدام علیه امنیت نظام که محکومیت آنها بیش از یک سال باشد...»

بدین اعتبار زندانی سیاسی به عنوان شاخص سلامت سیستم حقوق سیاسی با رویکرد به جامعه سیاسی، شاخص سلامت روان جمعی افراد و گروه‌ها، جامعه کنشگر سیاسی [اصحاب مطبوعات، نویسندگان، حقوق دانان فعال، احزاب، تشکل‌های مدافع حقوق بشر، حقوق زنان، محیط زیست، مدافع حقوق کارگران، اصناف و سندیکالیستها و...] و استقبال نهاده‌ی قدرت از رشد اندیشه‌ی سیاسی موکلین خود یا «صغارت‌بندگان مولا» جرم سیاسی را ما به عنوان «زی‌بندگان/ تجربه ریستی شهروندان در سپهر حقوق شهروندی و تاثیرباورمندی هایش» در بستر برساخته‌های رسانه‌ای چگونه درک می‌کنیم؟

«مرخصی سیاسی» شاخص این است که تا چه حد قدرت خود را آسیب‌پذیر و منتقدین محکوم را با رویکرد «تنبه‌ای» می‌نگرد و نه «تنبیه‌ای»!

کلیدواژه‌های «بغی، ارتداد و افساد فی الارض» نشان می‌دهد قدرت نقد را در طراز عالیترین جنگ در نظام معماری و ایدئولوژیک خود نگاه می‌کند که معنای آن همانا «جنگ با خداست».

جمهوری‌های الهیاتی دارای این پارادوکس است؛ مجرم سیاسی و مرخصی سیاسی در این جمهوری‌ها که اعدام و قطع اعضا انجام می‌گیرد و مصادره اموال از مبنایش است، چگونه می‌تواند رو به کاهش و انبساط و فضای باز سیاسی رود؟ حال آنکه با کمترین «نقد» بیشترین مجازات «موضوعیت» دارد. زندانی سیاسی/عقیدتی زندگی خود را بر خود دشوار می‌گیرد برای دفاع بیشتر از حقوق شهروندان، آنگاه باید در خیابان تنها معلمان باشند که فریاد برآورند: «معلم زندانی آزاد باید گردد!»

منابع:

- ۱- ایرانی ارباطی، بابک، مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، ص ۷۵.
- ۲- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، مجموعه نشست‌های قضایی درباره مسایل آیین دادرسی کیفری، ج ۳، صص ۲۰۷ و ۲۰۸.
- ۳- روزنامه ماوی، شماره ۳۰، ۴۶۵/۵/۸۴.
- ۴- تبصره ۱ ماده (۲۱۹) مقرر می‌دارد: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد».
- ۵- تبصره ماده (۲۲۰) چنین مقرر می‌دارد: «به کلیه جرایم اشخاص کمتر از هجده سال تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود».
- ۶- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، مجموعه نشست‌های قضایی، ج ۲، صص ۴۳ و ۴۴.
- ۷- ماده (۶۷۸) قانون مدنی: «ضامن شدن از محجور و میت صحیح است».
- ۸- شهری، غلامرضا- ستوده، جهرمی، سروش- نظرهای اداره حقوقی قوه قضاییه در امور کیفری، ج ۱، ص ۲۸۲.
- ۹- معاونت پژوهش قوانین و تنقیح قوانین و مقررات، ریاست جمهوری، مجموعه آیین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۱۱۷.
- ۱۰- اسناد بین‌المللی مورد نظر در بالا



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: mail@iranhr.net